

بررسی نقش والدین در تربیت دینی فرزند پیش از تولد در اسلام

اعظم محمدزاده^۱

حلیمه حیدری^۲

کریمه احمدی^۳

چکیده

«تربیت»، به ویژه تربیت دینی (برگرفته از آموزه‌های دین اسلام) از منظرهای مختلف قابل تحلیل و بررسی است. ضرورت و اهمیت این مسئله در اینجا است که خانواده اولین جایگاهی است که ویژگی‌های شخصیتی و تربیتی انسان در آن شکل می‌گیرد و می‌تواند به وجودآورنده انسانی با ارزش از جهات مختلف به خصوص رشد و تربیت دینی و اعتقادی باشد. پژوهش حاضر با روشی توصیفی و تحلیلی، سعی در روشن‌ساختن مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تربیت دینی فرزندان پیش از تولد را دارد. نتایج نشان از آن دارند که بنا بر مطالعات روانشناختی و آموزه‌های دینی، عوامل مختلف وراثتی، ژنتیکی و محیطی از آغاز شکل‌گیری نطفه و پیش از آن، تأثیر به‌سزایی بر انسان دارند، اما والدین به عنوان ارکان اصلی خانواده، نقشی اثرگذار و مهم در تربیت دینی فرزند قبل از تولد ایفا می‌کنند و موظف هستند تا فطرت توحیدی فرزند را شکوفا سازند؛ شروع تربیت دینی قبل از تولد و از دوره جنینی آغاز می‌شود. هرچند در این دوران کودک، وجود خارجی ندارد تا تحت تعلیم و تربیت قرار بگیرد، اما می‌توان از لحاظ معنوی بر روی جنین تأثیراتی گذاشت. بنابراین دوران بارداری مهم‌ترین و حساس‌ترین مرحله تربیت کودک است، زیرا جنین در بطن مادر، عضوی از او و تحت تأثیر مادر است.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت دینی، نقش والدین، جنین، بارداری.

۱. دبیر پژوهشی گروه علوم تربیتی مدرسه حکمت و علوم انسانی خواهران جامعه المصطفی سنة العالمیه خراسان

۲. پژوهشگر مباحث زن و خانواده جامعه المصطفی سنة العالمیه خراسان

۳. پژوهشگر مباحث زن و خانواده جامعه المصطفی سنة العالمیه خراسان

مقدمه

خانواده اولین جایگاهی است که ویژگی‌های شخصیتی و تربیتی انسان در آن شکل می‌گیرد و می‌تواند به وجود آورندهٔ انسانی با ارزش از جهات مختلف به ویژه، رشد و تربیت دینی و اعتقادی باشد. بنا بر مطالعات روان‌شناختی و آموزه‌های دینی، عوامل مختلف وراثتی، ژنتیکی و محیطی از آغاز شکل‌گیری نطفه و پیش از آن، تأثیر به‌سزایی بر انسان دارند و در این میان والدین به عنوان ارکان اصلی خانواده، نقشی اثرگذار و مهم در شکل‌دهی فطرت و سرشت پاک و بالفعل کردن صفات بالقوه مثبت فرزندان دارند.

بنابراین پژوهش حاضر با روشی توصیفی، تحلیلی و به روش اسنادی نوشته شده است. بعد از بررسی معنای «تربیت دینی» به نقش والدین در دوران قبل از تولد در تربیت دینی اشاره می‌شود و درصدد پاسخگویی به سؤال است که والدین مبتنی بر آموزه‌های اسلامی چه وظیفه و نقشی در تربیت دینی فرزند پیش از تولد ایفا می‌کنند؟

۱. پیشینهٔ موضوع

درباره «تربیت دینی» تألیفات متعددی نگاشته شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱.۲. پایان‌نامه‌ها

۱. صالحی، علی (۱۳۹۴)، تربیت دینی از منظر قرآن و حدیث، کارشناسی ارشد دانشکده اصول‌الدین قم: به راهنمایی غلامحسین تاجری‌نسب؛

۲. سید حسین عباس (۱۳۹۹)، تحلیل عوامل مؤثر در تربیت قبل از تولد از منظر آیات و روایات، کارشناسی ارشد جامعه‌المصطفی، به راهنمایی محمد امینی؛

۳. فرخی‌راد، صغری (۱۳۹۷)، بررسی نقش تربیت قبل از تولد از منظر قرآن و روایات و تبیین الزامات تربیتی آن در خانواده، کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور استان مرکزی، به راهنمایی محمدهاشم رضایی؛



۴. خطابخش، فائزه (۱۳۹۹)، تبیین تربیت دینی از منظر آیت الله جوادی آملی، کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، به راهنمایی محمد نجفی؛

۵. ابراهیمی، طاهره (۱۳۹۶)، بررسی موانع تربیت دینی و راهکارهای مقابله با آن از دیدگاه قرآن و روایات، کارشناسی ارشد پیام نور فسا به راهنمایی محسن مکارم شیرازی.

۲.۲. مقاله‌ها

۱. انتظامی‌بیان، نرگس (۱۳۹۴)، تبیین ماهیت تربیت معنوی و راهبردهای تحقق آن در آموزه‌های قرآنی، نشریه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال هفتم، ش ۱، ص ۵۱.

۲. کیانی، معصومه و همکاران (۱۳۹۷)، تبیین رویکردهای موجود درباره تربیت معنوی کودکان و نقد آن‌ها با تأکید بر آموزه‌های اسلامی، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال ۳۲، ش ۲، ص ۹.

۳. احسانی، محمد و ابوالفضل ساجدی (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی عوامل رفتاری تربیت معنوی فرزند در خانواده از دیدگاه اسلام و رفتارگرایی، ماهنامه معرفت، سال ۲۲، ش ۱۱، ص ۷۱.

۴. علاءالدین، محمدرضا (۱۳۹۷)، قرآن و تربیت معنوی خانواده در سور مکی به ترتیب نزول، فصلنامه قرآنی کوثر، پیاپی ۶۲، ص ۶۹.

این تألیفات و نگاشته‌های مشابه دیگری از ابعاد مختلف به بررسی تربیت معنوی پرداخته شده است، ولی تمایز این تحقیق با این تألیفات در پرداختن به تربیت معنوی قبل از تولد است.

۲. مفهوم تربیت دینی

انسان به دلیل بهره‌مندی از ابعاد مختلف زندگی در تمام ابعاد وجودی و روحی خود به تربیت نیاز دارد. تربیتی مانند تربیت جسمی، تربیت اجتماعی،

تربیت اخلاقی، تربیت دینی و...؛ که در این میان تربیت دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تربیت دینی به منزله یک ترکیب می‌تواند بر دو معنا دلالت کند:

۱. تربیتی که منسوب به دین است؛ یعنی تربیتی که محتوای خود را از دین می‌گیرد، در مقابل تربیتی که محتوا خود را از غیر دین مثلاً از تجربه و علم بشری می‌گیرد.

۲. تربیتی که برای دین است؛ یعنی تربیتی که در خدمت اهداف دین است، خواه محتوای آن از دین برگرفته باشد یا نباشد. (داوودی، ۱۳۸۶: ج ۲) به عبارت دیگر، این تربیت بر اساس قوانین و دستوراتی صورت می‌پذیرد که به پیامبر وحی می‌شود و هدف آن، رشد و تعالی انسان‌هاست. (تصدیقی، ۱۳۸۸)

تربیت دینی، به معنای فعالیت‌های نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده نهادهای آموزشی جامعه به منظور آموزش بینش، منش و آموزه‌های دینی به افراد است، به گونه‌ای که در عمل نیز به آن‌ها پایبند باشند (داوودی، ۱۳۸۶: ۱۶) و تربیت دینی به معنای به فعلیت رساندن کمالات بالقوه در مرتبی است. برخی دیگر تربیت دینی را این گونه تعریف کرده‌اند: «ایجاد تغییر تدریجی در مرتبی برای سیر از «بودن» به «شدن» یا انتقال از وضعیت بالقوه به بالفعل بر اساس اهداف و ارزش‌های دینی در هر یک از ابعاد یا ساحت‌های بدنی، شناختی، عاطفی و رفتاری». (اعرافی، ۱۳۸۶)

باقری معتقد است: «تربیت اسلامی (تربیت دینی) شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیراست». (باقری، ۱۳۸۷: ۶۱)

از جمع‌بندی تعاریف موجود در معنای تربیت دینی می‌توان گفت که تربیت دینی به جنبه‌ای از فرایند تعلیم و تربیت ناظر به پرورش ابعاد شناختی، عاطفی و عملی مرتبی از لحاظ التزام به دینی معین اشاره دارد که به معنای رشد و تقویت عقاید دینی، حالات و عواطف مذهبی و تقید به مناسک و آداب دینی را



برای تحقق شخصیتی متدین در نظر دارد. «تربیت دینی» در اسلام، هم به جهان-بینی و مبانی اعتقادی و باورهای انسان نظر دارد و هم به اصول و ارزش‌های اخلاقی، حقوقی، سیاسی و نظایر آن‌ها متکی است. «تربیت دینی» هم با اندیشه و نظر فرد و هم با اخلاق و عمل کار دارد. به علاوه، تربیت دینی به روش‌های برگرفته از دین و احکام و قوانین دینی و یا شیوه‌های مورد تأیید دین نظر دارد. در میان تعاریف موجود برخی به تعریف تربیت دینی و برخی منظور از تربیت دینی را تربیت اسلامی گرفته‌اند که این دو واژه با یکدیگر تفاوت دارند.

۳. تمایز تربیت دینی و اسلامی

تربیت دینی بخشی از تربیت به معنای کلی آن است. تربیت دینی را باید از تربیت اسلامی متمایز کرد، چرا که تربیت اسلامی مجموعه اصول و روش‌های مورد نظر اسلام است که در جهت فطرت انسان و برای تعالی او در مسیر الهی است و به شناخت او از خویش و جهان می‌انجامد، درحالی‌که تربیت دینی آن جنبه از تربیت است که مربی را با وظایف و شرایع دینی آشنا می‌کند و مبانی اعتقادی آنان را مستحکم نموده و فطرت الهی و انسانی آنان را بارور می‌سازد. تربیت اسلامی طرح کلی و روش‌هایی است که مسیر از خود تا خدا را طی می‌کند و تربیت دینی یک مرحله خاص از سن و رشد را شامل می‌شود. (احمدی، ۱۳۷۲)

همچنین در اسلام، تربیت اسلامی قلمرو وسیع تری دارد و در طول سایر تربیت‌ها قرار می‌گیرد. تربیت اسلامی در این معنا، به اصول، اهداف و شیوه‌های رایج تربیتی جهت می‌دهد و عرصه‌های مختلف جسمی، روانی، شناختی، عاطفی و رفتاری را در بر می‌گیرد و بیش از هر چیز، منطق و عقل فرد را در نظر گرفته و پس از تأثیرگذاری در این حوزه، کمک می‌کند تا فرد دین‌دار، رفتار خود را در زندگی عملی در چارچوب برنامه‌ها و قالب‌هایی سامان دهد که شریعت این دین ترسیم کرده است. (ویسی، ۱۳۸۶: ۳۸)

بنابراین، «تربیت اسلامی» یعنی به ثمر رسانیدن زمینه‌هایی که در انسان وجود دارد، مهار کردن غرایز، اشباع کردن انسان از خواسته‌های فطری و در خط خدا قرار دادن. (خسروپناه، ۱۳۸۴)

۴. سن مناسب برای آغاز تربیت

انسان از دیدگاه اسلام موجودی در حال رشد است که در دوران زندگی خود نیز از مراحل و دوره‌های مشخصی عبور می‌کند: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَ مِنْكُمْ مَنْ يَتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ وَ لِيَبْلُغُوا أَجْلاً مُّسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». (غافر: ۶۷)

طبق این آیه شریفه تربیت به دو مرحله قبل و بعد از تولد تقسیم می‌شود. در مرحله قبل از تولد، خانواده و والدین مؤثرترین عوامل بر تربیت و آینده کودک هستند، چرا که خانواده اولین جایگاهی است که ویژگی‌های شخصیتی و تربیتی انسان در آن شکل می‌گیرد. بر این پایه، از منظر اسلام، مسئولیت پدر و مادر نسبت به فرزند، پیش از تولد آغاز می‌شود و کودک، حتی پیش از آنکه متولد شود، بر پدر و مادر خود حقوقی دارد که اگر رعایت نگردد، آثار تعلیم و تربیت او کاهش می‌یابد.

مطالعات روان‌شناختی و آموزه‌های دینی نشان از آن دارند که عوامل مختلف وراثتی و ژنتیکی و حتی محیطی از آغاز شکل‌گیری نطفه بر تربیت انسانی سالم تأثیرگذار هستند و والدین باید بسترسازی‌های لازم را انجام دهند. اسلام نیز در این زمینه دستورات لازم را داده است بنا بر آموزه‌های دینی و یافته‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی عوامل زیادی بر تربیت کودک پیش از تولد تأثیرگذار است که در ادامه مهم‌ترین آن‌ها بیان می‌شوند.

۵. عوامل مهم تربیت

۵. ۱. خودسازی (شروع از خود)

اولین مرحله تربیت، تربیت خود به عنوان والدین است. از منظر قرآن و سیره معصومین، در نظام تربیتی خانواده، بیش از هر چیزی بر «شروع از خود» و مراقب در رفتار و گفتار خویش تأکید می‌شود. خدا متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ (مائده: ۱۰۵) و یا در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾. (تحریم: ۶) هر دو آیه بر مقدم‌داشتن خود بر خانواده در در تربیت و هدایت تأکید دارند.

در سیره معصومین علیهم‌السلام نیز بر همین مطلب تأکید شده است. حضرت علی علیه‌السلام فرموده‌اند: «کسی که آموزگار و مربی خویش است بیش از کسی که آموزگار و مربی مردم است، سزاوار احترام و بزرگداشت است». ^۱ (مجلسی، ۱۴۲۴ق) یا در جایی دیگر می‌فرماید: «ادب و تربیت نفس‌های خویش را به عهده بگیرید و آن را از سلطه عادت‌ها باز دارید! کسی که [در مقام هدایت و تربیت] خود را پیشوای دیگران قرار می‌دهد، باید از تعلیم و تربیت خویش آغاز کند، پیش از آنکه به تعلیم و تربیت دیگری بپردازد». ^۲ (نهج‌البلاغه، حکمت ۷۳)

بنابراین شروع تربیت کودک از خود تربیت نفس انسانی آغاز می‌شود. بنابراین انسان قبل از آنکه مربی و معلم فرزندان خود گردد باید به رفتار و گفتار خود بیندیشد و زمانی از آنان توقع رفتار و گفتار مؤدبانه داشته باشد که خود مراقبه و محاسبه بر رفتار و گفتار خویش را انجام داده باشد، چرا که خداوند انسان را مورد خطاب قرار داده و فرموده است: (أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ). (بقره: ۴۴)

۱. وَ مَعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِ.

۲. مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ.

۵.۲. وراثت

«وراثت» عبارت است از انتقال یا سرایت پاره‌ای از صفات و خصایص والدین و اجداد به کودک از طریق نطفه که بعدها همین نطفه به انسان تبدیل می‌شود و بر این اساس، کودکی که به دنیا می‌آید دارای صفات و خصایصی از پدر و مادر و اجداد پدری و نیز ویژگی‌هایی از مادر و اجداد مادری است؛ این‌گونه صفات را صفات ارثی می‌گویند. (دانش، ۱۳۹۰: ۳۱)

محققین و روان‌شناسان نه تنها در انتقال خصوصیات جسمی و روحی والدین و اجداد به فرزندان تردید نکرده‌اند، بلکه در مواردی به صورت تفصیلی به ویژگی‌هایی جسمانی و بیماری‌ها و اختلالات روانی، مباحث هوشی و برخی ویژگی‌های شخصیتی نظیر برون‌گرایی، درون‌گرایی، جامعه‌پذیری، انتقاد از خود و خود تنبیهی که از راه ارث به نسل‌های بعد منتقل می‌شود، پرداخته‌اند. (همان: ۳۲)

در این میان سهم مادر در شکل‌گیری شخصیت فرزند بیش از نقش پدر است. محققان اذعان دارند که غم‌ها و غصه‌های مادر، غضب‌آلودگی‌ها و بر آشفتگی‌های مادر، برافروختگی‌ها و هیجانات وی، بدبینی‌ها و بدخواهی‌های مادر و همچنین ایمان و تقوی و پاکدلی و پاکدامنی، صفا و مهرورزی، خیرخواهی و نوع دوستی، آرامش نفس و اطمینان، شجاعت‌ها و شهامت‌های مادر و تمام سجایای اخلاقی او بر فرزند تأثیرات مثبت یا منفی بر جای می‌گذارند و خوشبختی و بدبختی کودک را در رحم پی‌ریزی می‌کنند. (همان: ۳۵ و ۳۶)

اسلام نیز موضوع وراثت را این گونه مطرح می‌کند که قرآن می‌گوید: ﴿وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يُخْرِجُ إِلَّا نَجِدًا﴾ (اعراف: ۸۵) ذیل این آیه برخی مفسران به قانون وراثت اشاره کرده و گفته‌اند:

این تشبیه معقول به محسوس است. یعنی می‌خواهد مطلب معقولی را نزدیک به فهم کند، لذا در قالب یک امر حسی می‌فرماید: زمین آباد که علف هرزه

ندارد، زمینی که ذاتاً برای حاصل دادن خوب است، حاصل می‌دهد و فراوان حاصل می‌دهد، اما زمینی که علف هرزه دارد، زمینی که ذاتاً حاصلخیز نیست، معمولاً حاصل نمی‌دهد که یک معنایش هم اشاره دارد به اینکه مادر با عفت و با فضیلت و نیز پدر شجاع و با فضیلت، اولاد متقی و با فضیلت به وجود می‌آورند، ولی پدر و مادر ناپاک و غیر مهذب اولادشان هم با فضیلت نیست. (مظاهری، ۱۳۷۸: ۲۸)

یا دعای حضرت نوح که می‌فرماید: ﴿وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ تَذَرُهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا﴾. (نوح: ۲۶ و ۲۷) از همین تأثیرپذیری و وراثت سخن می‌گوید.

روایات نیز به موضوع وراثت و تأثیر آن بر روح و جان فرزندان پرداخته‌اند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مردم چون معدن‌های گوناگون‌اند و نژاد در افراد مؤثر است و تربیت بد نیز مانند نژاد است» (پاینده، ۱۳۸۲: ۷۸۸) یا در جایی دیگر بیان داشته‌اند: «بنگر فرزندان را در کجا قرار می‌دهی، زیرا رگ و ریشه (خانواده) بسیار مؤثر است». ^۲ (محمدری شهری، ۱۳۷۹: ۲۲۵۸)

امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «هر گاه کسی از بزرگواری خانوادگی برخوردار باشد، برخورد او در پشت سر و پیش رو، بزرگوارانه است». ^۳ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ج ۳: ۱۸۸) یا می‌فرماید: «فضایل اخلاقی و خوی‌های پسندیده نشانه [وراثت‌های نیک و] پاکی خانوادگی است». ^۴ (همان: ۳۲۹)

در روایات بر عفت مادران تأکید بسیار شده است، چرا که مادران عفیف و پاکدامن و مادران آلوده و هوس‌باز هر دو آثار روانی و اخلاقی خود را به طور ارثی به فرزندان منتقل می‌کنند. (فلسفی، ۱۳۴۳: ۳۶) امام صادق علیه السلام با در نظر

۱. النَّاسُ مَعَادِنٌ، وَ الْعِرْقُ دَسَّاسٌ وَ ادَبُ السَّوِّ كَعِرْقِ السَّوِّ.

۲. أَنْظِرْ فِي أَيِّ نَصَابٍ تَضَعُ وَلَدَكَ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ.

۳. إِذَا كَرُمَ أَصْلُ الرَّجُلِ كَرُمَ مَغْبِيُهُ وَ مُحَضَّرُهُ.

۴. حُسْنُ الاخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الاعْرَاقِ.

گرفتن این تأثیر عمیق می‌فرماید: «خوشا به حال کسی که مادرش عقیقه و پاکدامن باشد». (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۲۸۵)^۱

یا در جایی دیگر می‌فرمایند: «تَرَوُجُّوا فِي الْحِجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ». از این روایت و روایات دیگر استفاده می‌شود که عرق یا به تعبیری ژن، در انتقال صفات به فرزندان، بسیار ظریف، دقیق و قوی عمل می‌کند و در روایت دیگر نیز می‌خوانیم: «الْوَلَدُ سِرَّابِيه»؛ فرزند رمز پدر است. بنابراین ژن‌ها صفات والدین و خویشاوندان را بدون اراده به فرزندان منتقل می‌کنند. (شریف قریشی، ۱۳۶۲: ۳۳) یعنی چنانچه زنی زیبا ولی بی‌دین اختیار کند، مطمئناً بی‌دینی همسر در تکوین شخصیت فرزندان، اثر نامناسب خواهد گذاشت.

نکته شایان ذکر اینکه، گرچه وارث عاملی مهم و کارساز در تربیت است، ولی مسلط بر تربیت نیست. این عامل با همه نفوذ و اهمیتی که دارد تحت تأثیر دیگر عوامل قرار می‌گیرد و آن چه زمینه‌اش موجود است رشد کرده و یا دچار شدت و ضعف و دگرگونی می‌شود. (دلشادتهرانی، ۱۳۸۵: ۱۱۷-۱۱۵)

۵.۲. انتخاب همسر شایسته

انتخاب همسر شایسته قدمی دیگر برای تربیت فرزندانی سالم به شمار می‌رود. تأثیر روحيات، شیر، حالات مادر بر کودک به دلیل ارتباط خاص و نزدیک مادر با فرزند غیرقابل تردید است. معصومین انتخاب نامناسب را تباه‌کننده نسل دانسته‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زن به منزله گلوبندی است که بر گردن می‌افکنند، پس مراقب باش که چه چیزی را بر گردن می‌افکنی. پس برای زن نمی‌توان قیمتی را تعیین کرد، چه خوب و چه بد. اما ارزش زن‌های نیک را با طلا و نقره نمی‌توان تعیین کرد زیرا آن‌ها از نقره ارزشمندترند و اما

۱. طوبی لِمَنْ کانت أُمُّهُ عَقِيقَةً.

بدان آن‌ها ارزش خاک را هم ندارند، زیرا خاک از آن بهتر است». ^۱(کلینی، ۱۳۰۷ق، ج ۵: ۳۳۲)

امام رضا علیه السلام نیز همسر خوب را از رحمت‌های خداوند دانسته و فرموده‌اند: «به بنده خدا فایده‌ای نمی‌رسد، که بهتر از همسر خوب باشد که وقتی او را می‌بیند خوشنودش سازد و در غیاب او از نفس خودش و مال شوهرش حفاظت کند». ^۲(همان: ۳۲۷)

در حدیث معصومین علیهم السلام از همسر ناشایست، به خدا پناه برده شده است: «خدایا به تو پناه می‌برم از زنی که قبل از پیری مرا پیر گرداند». ^۳(مجلسی، ۱۴۰۶ق: ۲۴۳)

بنابراین انتخاب همسر مانند لباس خریدن نیست، انسان می‌خواهد با او عمری را سپری کند، او را محرم راز خود قرار دهد و ممکن است بر اثر عجله و عدم دقت کافی ناچار شود عمری را با ناراحتی و گرفتاری زندگی کند.

اسلام برای انتخاب همسر شایسته که مرحله‌ای مهم و سرنوشت ساز در تحقق ازدواج موفق محسوب می‌شود ملاک‌هایی از جمله دینی، ^۴ اخلاقی و روان‌شناختی، ^۵ خانوادگی، ^۶ اجتماعی، اقتصادی و جسمانی مورد توجه قرار

۱. إِنَّمَا الْمَرْأَةُ فِلَادَةٌ فَإِنْظَرُ إِلَى مَا تَقْلُدُهُ قَالَ وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ خَطَرٌ لَّا لِصَالِحَتَيْنِ وَ لَّا لِطَالِحَتَيْنِ أَمَّا صَالِحَتَيْنِ فَلَيْسَ خَطَرُهَا الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ بَلْ هِيَ خَيْرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ أَمَّا طَالِحَتَيْنِ فَلَيْسَ التُّرَابُ خَطَرُهَا بَلِ التُّرَابُ خَيْرٌ مِنْهَا.

۲. مَا أَفَادَ عَبْدٌ فَأَبْدَهُ خَيْرًا مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ إِذَا رَأَاهَا سَرَّتَهُ وَ إِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهِ.

۳. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ زَوْجَةٍ تُشَيِّبُنِي قَبْلَ أَوَانٍ مَشِيئِي.

۴. نور: ۲۶؛ بقره: ۲۲۱؛ حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۰: ۴۱ و ۱۰۲.

۵. اذاجاءکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه و ان تفعلوا تکن فتنه، فی الارض و فساد کبیر.

۶. «انظر فی أی نصاب تضع ولدک، فإن العرق دسّاس». (پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۶۶)؛ «ایها الناس ایاکم و خضراء الدمن، قبل: یا رسول الله و ما خضراء الدمن؟ قال: المراء الحسناء فی منبت السوء». (فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۱، ص ۷۹)

گرفته و در منابع اسلامی در خصوص میزان اهمیت هر یک مباحثی مطرح شده است.

اسلام برای معیارهای مختلف وزن یکسانی در نظر نگرفته و به نوعی اولویت بندی در مورد معیارهای گوناگون پرداخته است. اینک دیدگاه اسلام را در خصوص هر یک از معیارهای انتخاب همسر و میزان اهمیت آن‌ها مورد توجه قرار می‌دهیم. (همان: ۲۳)

۵.۳. دعا برای طلب فرزند صالح

علاقه به فرزند و فرزندخواهی یک خواست طبیعی و فطری است که در تمام افراد بشر اعم از مؤمن و کافر وجود دارد، از این جهت تنها فرزندخواهی نمی‌تواند نشانه بندگان خدا باشد، بلکه آنچه که می‌تواند نشانه چنین کسانی گردد، این است که خواستار فرزندان پاک و صالح که نه تنها مایه گسترش شخصیت جسمی و مادی انسان گردد، بلکه به وسیله آن‌ها، معنویت و پاکی انسان نیز ادامه پیدا کند و مایه بقای معنوی پدر و وسیله آمرزش او و چشم روشنی خانواده شمرده شود. هرچند در نظر مردم، پیوند جسمی به پدر، کافی در انتساب او است، ولی از نظر قرآن پیوند معنوی پدر، قوی‌تر و نیرومندتر است، تا آنجا که اگر پیوند ایمانی و معنوی فرزند از پدر گسسته گردد، پیوند او به گونه‌ای از پدر سلب می‌گردد که بهترین مثال فرزند نوح است که خطاب رسید: (إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ). (هود: ۴۶) از نظر قرآن تنها ارتباط جسمی و مادی کافی در انتساب واقعی نیست، بلکه باید فرزند وارث روحيات و معنویات و راه و رسم او نیز باشد.

از نشانه‌های مردان خدا این است که پیوسته از خداوند می‌خواهند که نسل آنان مایه چشم‌روشنی آنان باشد. در قرآن نیز آیاتی با مضمون دعا برای فرزندان و همچنین داشتن فرزند صالح آمده است: (رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا). یا حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند درخواست می‌کند: (رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي...). (فرقان: ۷۴)



این درخواست نیز بسان دیگر درخواست‌ها، از طریق زبان عملی نمی‌گردد و بلکه باید به موازات درخواست، عمل‌های ارزنده‌ای انجام بگیرد که آنان را برای داشتن نسل صالح موفق سازد. هیچ دعایی بدون قیام به وظایف ممکن که در اختیار بنده است به هدف نمی‌رسد، بلکه باید به همراه دعا به مسئولیت‌های سنگین پدری و مادری نیز توجه نمود و به خاطر این هدف به پرورش فرزند پرداخت.

۵.۴. محیط

محیط عبارت است از عوامل مادی و معنوی که موجود زنده را احاطه کرده و در او تأثیر می‌گذارد، بنابراین محیط تنها فضای طبیعی نیست، بلکه مجموعه‌ای از ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه و رفتارهای اجتماعی ناشی از آن‌ها است. محیط و جامعه به قدری آثار مثبت و منفی فراوانی بر شخصیت، روحیات و رفتار افراد دارد که گاهی افرادی از خانواده‌های صالح را محیط و جامعه ناسالم به انحراف می‌کشاند و گاهی عکس این مطلب اتفاق می‌افتد. (دانش، ۱۳۹۰: ۱۰۹)

اسلام مقرر می‌دارد که برای تربیت و پرورش افراد در جهت شکوفایی استعدادها و جلوگیری از هرز رفتن توانایی‌هایشان بایستی محیط سالم و مساعد به وجود آید تا هرکس به تناسب ظرفیت و گنجایش روحی خود بتواند به کمال مطلوب خویش دست یابد.

قرآن محیطی را که گناه و تبهکاری در آن رایج است، مورد نکوهش قرار داده و فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ...﴾. (نور: ۱۹) قرآن کریم به مستضعفان زمین برای زندگی نکردن در محیط آلوده دستور به هجرت می‌دهد.

اسلام برای ایجاد محیطی سالم گاهی دستور به هجرت می‌دهد، ولی اگر هجرت امکان‌پذیر نبود پدر و مادر را موظف به ایجاد محیطی معنوی می‌کند و دستوراتی در این زمینه داده است، از جمله اینکه:

- مادر تا جایی که می‌تواند با وضو و طهارت باشد و بی وضو از غذا و یا نوشیدنی میل نکند؛

- خواندن قرآن کریم؛

- والدین با کوشش تمام از گناهان بپرهیزند و حتی الامکان مستحبات را انجام دهند؛

- صدقه دادن ولو به مبلغ خیلی جزئی در ساعات مختلف؛

- از خوردن غذاهای مشکوک پرهیز نماید؛

- به فکر خدا بودن؛

- رفع حوایج مردم؛

- دوری از معاصی به خصوص دروغ و غیبت؛

- نماز اول وقت خواندن؛

- برای اینکه بچه صبور شود، در موقع تکان بچه، دست را روی شکم بگذارد و صلوات و سوره توحید را تلاوت کند. (یکی از روش‌های موثر برای ایجاد پیوستگی بین والدین و جنین قبل از تولد او، صحبت کردن با جنین است)

یکی از برنامه تربیتی معنوی اسلام در ایام بارداری توجه به عدد چهل است که برنامه‌های انجام شده به صورت چله نشینی صورت می‌گیرد تا تأثیر زیادتری داشته باشد. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. خواندن چهل روز سوره مبارک «یس» و دمیدن به انار و میل کردن

آن برای خوش آب و رنگی جنین؛

۲. خواندن چهل بار دعای توسل یا زیارت جامعه یا زیارت آل یاسین؛

۳. خواندن چهل شب جمعه سوره‌های حدید، حشر، تغابن، جمعه و

صف قبل از خواب؛

۴. خواندن چهل شب جمعه دعای کمیل، چهل صبح دعای ندبه، چهل عصر جمعه دعای سمات؛

۵. خواندن تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام بعد از هر نماز و قبل از خواب و چهل جمعه، غسل جمعه کردن؛

۶. خواندن یک ختم قرآن برای سلامتی امام زمان علیه السلام و خواندن دعای عهد و حدیث کساء و زیارت امام زمان و ...

۵.۵. آداب مباشرت

از دیگر اموری که رعایت آن‌ها زمینه مناسبی را برای تربیت فرزند فراهم می‌کند، معاشرت و روابط صحیح و سالم پدر و مادر با یکدیگر است. روابط والدین دامنه گسترده‌ای دارد. آنچه در اینجا مورد نظر است، بخشی از روابط والدین است که مربوط به دوران پیش از تولد فرزند، یعنی روابط آن‌ها در آمیزش و مباشرت است.

در متون اسلامی، از بزرگان دینی، روایات زیادی درباره آداب آمیزش و تأثیر آن در روح و جسم فرزند نقل شده اما آنچه از سیره معصومان علیهم السلام در این باره آمده، شامل سفارش‌هایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام در زمینه زمان، مکان و حالات روحی حاکم بر همسران در زمان آمیزش، فرموده است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۵۵۴)

حالات روحی و معنوی انسان و حتی نوع غذای او به قدری در آسان‌سازی امر تربیت فرزند مؤثر است که پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از تولد حضرت زهرا علیها السلام به امر پروردگار، چهل روز خلوت گزید و به روزه و عبادت پرداخت. در آخر هم از غذاهای بهشتی که جبرئیل برای او آورده بود، تناول کرد و نتیجه آن فرزندى شد که یازده امام معصوم علیهم السلام از نسل او پدید آمدند.

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به زنی که به عدالت خدا اعتراض داشت، به تأثیر غذای پدر، حتی در جسم فرزند اشاره می‌کند. آن زن نزد حضرت

محمد ﷺ آمد و عرض کرد: یا رسول الله چگونه خدا عادل است درحالی که فرزند کوری به من داده است؟ پیامبر ﷺ، پس از لحظه‌ای تأمل فرمود: آیا شوهرت هنگام مباشرت با تو شراب خورده بود؟ زن عرض کرد: آری. حضرت فرمود: پس در این صورت، کسی را جز خودت ملامت نکن. (حسینی زاده، ۱۳۹۱، ج ۱: ۵۴ و ۵۵)

از جمله موارد تأثیر گذار که به پدران و مادران سفارش شده است آن است که حین نزدیکی با وضو و به یاد خدا باشند. (وزیری، ۱۳۸۱: ۵۶۹) بدیهی است یاد خدا موجب آرامش قلب می‌شود و در فرزند اثر مثبتی خواهد داشت. همچنین رغبت و میل قوی جنسی زوجین، در زیبایی جنین و هوشمندی وی اثری قطعی خواهد نهاد. ترس و اضطراب والدین هنگام عمل زناشویی بدترین تأثیر را بر روی طفل می‌گذارد؛ همان گونه که آرامش خاطر پدر و مادر، تأثیری بس نیکو در فرزند می‌نهد.

تأثیر خستگی زیاد، روی جنین کاملاً محسوس است و او را ضعیف و رنجور می‌کند. در احادیثی نیز از معصومین: نقل شده است که فرموده‌اند در شبی که از مسافرت بر می‌گردید و همین طور در شبی که می‌خواهد به مسافرت بروید، نزدیکی نکنید. (میخبر، ۱۳۸۲: ۴۱ و ۴۲)

با توجه به تأثیراتی که شرایط زمانی، مکانی و روحی، روانی تشکیل نطفه بر فرزند می‌گذارد، معصومان: آداب خاصی را هنگام آمیزش با همسر رعایت و دیگران را نیز به آن سفارش کرده‌اند. (حسینی زاده، ۱۳۹۱، ج ۱: ۵۷)

۵. ۶. تغذیه والدین

اسلام تمام ابعاد و تمایلات روحی و جسمی انسان و نیز عوامل و امور مادی و معنوی موثر بر وجود او را که بسا بشر از ادراک آن‌ها عاجز است و راهی برای درک و فهم آن‌ها ندارد، کاملاً مورد توجه قرار داده و متناسب با آن، مقررات ویژه‌ای وضع نموده است؛ لذا از نخستین مرحله رشد کودک، یعنی از زمانی که نطفه در حال شکل گرفتن است، دستورات خاصی را که تأمین‌کننده



تمام نیازمندی‌های اوست، صادر کرده است. مثلاً درباره رعایت تقوا و ترک محرّمات توسط پدر و مادر و پرهیز آنان از غذای حرام در زمان به وجود آمدن نطفه و در زمان قرار گرفتن آن در رحم، توجه کامل شده است. (حاتم‌پور، ۱۳۸۶: ۸۴)

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا﴾؛ ای مردم! از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را تناول کنید. (بقره: ۱۶۸) در تفسیر البرهان، ذیل آیه ﴿و شارکهم فی الاموال و الاولاد﴾ از امام صادق (علیه السلام) یا امام باقر (علیه السلام) چنین نقل شده است: «ما کان من مال حرام فهو من شرکة الشیطان»؛ هر آن نطفه‌ای که از مال حرام به وجود آید، شیطان در آن سهم می‌شود. مسلّم است که در این صورت صفات و خواص اهریمنی در وی به وجود می‌آید.

از حضرت صادق (علیه السلام) نقل شده است: «کسب الحرام یبین فی الذریه»؛ اثر مالی که از راه حرام به دست آمده، در نسل آشکار می‌شود؛ یعنی در نطفه‌ای که از مال حرام به وجود آید و نیز در آن جنینی که از حرام تغذیه شود مقتضیات شر ایجاد می‌گردد.

حرام‌خواری، بر عقاید، اخلاق و اعمال آدمی تأثیری بسیار زیانبار دارد و راه سعادت و خیر و فلاح را بر او می‌بندد و چنان او را سرگرم دنیا و سر سپرده شیطان می‌کند که حتی حاضر نمی‌شود به سخنان حق که از سوی بهترین افراد ایراد می‌گردد، گوش فرا دهد. امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به این حقیقت اشاره کرد که «أَتَمَّا ادعوكم الی سبیل الرشاد فمن اطاعنی كان من المرشدين و من عصانی كان من المهلكين و كلکم عاص لأمري غیر مستمع قولي ملئت بطونكم من الحرام و طبع علی قلوبكم و یلكم الا تنصتون الا تسمعون». (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۴۵: ۱)

امام حسین (علیه السلام) عدم تأثیر حق و نافرمانی را نتیجه انباشه شدن مال حرام در شکم‌هایشان می‌داند. بنابراین غذای حرام، آدمی را از حق و راه درست جدا

می‌کند و نور درک حقایق را از او می‌ستانند. درباره نقش و تأثیر غذای حرام بر جان و اخلاق فرد، به داستان‌های زیادی نقل شده است. (شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۴۹)

بنابراین اسلام هم به تغذیه حلال اشاره می‌کند و هم به زنان باردار در مورد نوع تغذیه سفارشاتى دارد. در همین باره، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «أَطْعِمُوا حَبَالَكُمْ السَّفَرَجَلَ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ أَخْلَاقَ أَوْلَادِكُمْ؛ به زنان آبستن سفارش کنید [میوه] به، بخورند تا فرزندان‌شان خوش اخلاق شوند» یا در جایی دیگر می‌فرمایند: «ما من امراه حامله اكلت البطيخ بالجبن الا يكون مولودها حسن الوجه و الخلق»؛ هیچ زن بارداری نیست که خربزه با پنیر بخورد، مگر اینکه نوزادش خوش چهره و خوشخو می‌گردد.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «أَطْعِمُوا حَبَالَكُمْ ذَكَرَ اللَّبَانِ، فَإِنَّ يَكُ فِي بَطْنِهَا عَلَامٌ، خَرَجَ ذِكْيَ الْقَلْبِ، عَالِمًا شَجَاعًا، وَإِنْ تَكُ جَارِيَةً، حَسَنَ خُلُقِهَا وَ خُلُقِهَا، وَ عَظُمَتْ عَجِيزَتُهَا وَ حَظِيَّتْ عِنْدَ زَوْجِهَا؛ به زنان بارداران کندر بخورانید تا اگر جنین پسر باشد در آینده باهوش، شجاع و دانشمند خواهد شد و اگر دختر باشد، زیبا، خوش اخلاق می‌گردد و سرین او بزرگ می‌شود و مورد علاقه شوهرش قرار می‌گیرد».

نتیجه‌گیری

تربیت دینی فرایندی است برگرفته از آموزه‌های دین اسلام با هدف پرورش انسان دیندار به گونه‌ای که در همه ابعاد اعتقادی، عاطفی و رفتاری به اندازه نصاب ملتزم به اسلام باشد و شامل پیش از تولد کودک و مراحل بعد از تولد می‌گردد. چنانچه زمینه سالم تربیتی ایجاد گردد کودک سالمی متولد می‌شود که توان عملی و استعدادهای فراوانی دارد. اسلام تربیت را آن قدر مهم و حیاتی می‌داند که اصول و برنامه‌های تربیتی‌اش را از زمان قبل از تولد فرزند، در هنگام انتخاب همسر بیان کرده است. اسلام با دقت عقلی و باریک‌بینی‌های ظریفی، جزئیات را بیان نموده و راه صحیح و درست را فراروی ما قرار داده و بر ایجاد



زمینه سالم تربیتی و جلوگیری از ضایعاتی که ممکن است از طریق محیط، توارث و همسرگزینی اتفاق بیفتد رعایت دستورات بیان شده را لازم می‌شمارد. از نظر اسلام دو دسته عوامل ژنتیکی و محیط، در شخصیت و تربیت کودک دخالت دارد.

از مراحل مهم و سرنوشت‌ساز در زندگی انسان، مرحله پیش از تولد اوست. به این معنا اگر زن و مرد در این مرحله به وظایف خود آشنا نبوده، مقدمات به وجود آمدن یک انسان سالم را فراهم نسازند، این سهل‌انگاری، می‌تواند تأثیرات سوئی در سرنوشت و زندگی و آینده فرزند داشته باشد.

پدران و به ویژه مادران در قبال فرزندان خویش و اجتماع، بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین مسئولیت را خواهند داشت. در اسلام به پدران سفارش شده است که از غذای حرام اجتناب ورزند و آداب و ویژای را هنگام هم‌بستری رعایت کنند. به مادران نیز توصیه شده که در دوران بارداری، مراقب اندیشه‌ها و رفتارهای خویش بوده، همواره در طهارت جان و پاکیزگی تن و دوران تلاش کنند، لذا براساس متون اسلامی و اهمیت تربیت دینی کودک و نقش والدین در تأثیرگذاری بر فرزندان و نیز اهمیت اعتقادات در سعادت و شقاوت ابدی فرزندان، مدعا این است که تربیت دینی فرزندان قبل از تولد بر والدین امری واجب و ضروری است.

منابع و مأخذ:

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضر الفقیه، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۸۶)، فقه تربیتی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

- باقری، خسرو (۱۳۸۷)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران: انتشارات مدرسه.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ۹)، ج ۴، تهران: دنیای دانش.
- تصدیقی، ف (۱۳۸۸)، آسیب شناسی تربیت دینی در نظام آموزش ایران، همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر (مقالات برگزیده)، قم: موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی.
- تیممی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، شرح محمد خوانساری، تهران: دانشگاه تهران.
- حاتم پور کرمانی، محمد رضا (۱۳۸۶)، روش های صحیح تربیت، تهران: زعیم.
- حسینی زاده، علی (۱۳۹۱)، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ در تربیت فرزند، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خسرو پناه دزفولی، عبدالحسین (۱۳۸۴)، آسیب شناسی جامعه دینی، قم: نشر معارف.
- دانش، شکر الله (۱۳۹۰)، تربیت فرزندان - آشنایی با نحوه شکل گیری شخصیت، ج ۱، تهران: هورمزد.
- داوودی، محمد (۱۳۸۶)، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، تربیت دینی، ج ۲، ج ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____ (۱۳۸۶)، نقش معلم در تربیت دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: دریا.
- شریف قریشی، باقر (۱۳۶۲)، نظام تربیتی اسلام، تهران: فجر.
- فلسفی، محمد تقی (۱۳۴۳)، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۰۷ق)، اصول کافی، ج ۵، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۶)، بحارالانوار، ج ۴، بیروت: اسلامیه.
- مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ق)، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۲، قم: موسسه فرهنگی اسلامی کوشانیدر.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۷۹)، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث.
- مظاهری، حسین (۱۳۸۷)، تربیت فرزند از نظر اسلام، ج ۳، قم: انتشارات امّ ابیها.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱)، اخلاق در قرآن، ج ۳، قم: مدرسه علمیه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
- میخبر، سیما و دیگران (۱۳۸۲)، ریحانه بهشتی یا فرزند صالح، قم: نور الزهرا (س).
- وزیری، مجید (۱۳۸۱)، نگاهی به وظایف تربیتی پدر در برابر کودک از دیدگاه اسلام، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۶۴.
- ویسی، زاهد (۱۳۸۶)، نظام تربیت دینی، ماهنامه زمانه، ش ۶۲.

